



Blood Money (*diyyah*) for Bone Displacement with a Critical Approach to Article 569 of the Islamic Penal Code

Dr. Mohammadjavad Mohammadi 

Instructor of Advanced Seminary Studies, Member of the Fiqh of Criminal Law Department, Research Center of the Institute for Advanced Fiqh and Islamic Sciences, Qom, Iran

Email: 444mahmood444@gmail.com

Abstract

One of the most common injuries resulting from accidents is bone fracture, which in its general sense may occur in various forms. Bone displacement is one type of fracture in which the fractured bones are displaced from their original position, making it necessary for treatment and healing to first restore the bones to their proper place. Numerous *hadiths* specify a particular amount of blood money (*diyyah*) for bone displacement. Nevertheless, the chapter on Blood Money (*diyyat*) in the Islamic Penal Code makes no reference to this injury or to the amount of compensation prescribed for it. In addition, the blood money for bone displacement has been mistakenly mentioned under the section for joint dislocation in some cases. Through a critical analysis of the provisions related to bone injuries (Articles 569–575) in the Islamic Penal Code, the present study examines relevant narrational and jurisprudential sources with the aim of identifying the *shar'i* criterion for determining the blood money of bone displacement (*naql al-'azam*). Findings indicate that based on reliable narrations, the blood money for bone displacement is systematically equal to half of the blood money for fracture of the affected limb (except in certain cases), and this amount is to be added to the blood money for the fracture itself. Accordingly, it is suggested to enact a new statutory provision reflecting this rule and specify the exceptional cases in a note.

Keywords: bone displacement; *naql al-'azam*; *manqqilah*; blood money (*diyyah*); bone dislocation





دیة جابه‌جایی استخوان شکسته با رویکرد به نقد ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی



دکتر محمدجواد محمدی

مدرس سطوح عالی حوزه، عضو گروه فقه جزا مرکز پژوهشی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران

Email: 444mahmood444@gmail.com

چکیده

یکی از صدمات متداول در حوادث، شکستگی استخوان است که به معنای عام آن به شکل‌های مختلفی قابل وقوع است. جابه‌جایی استخوان یکی از انواع شکستگی است که در آن استخوان‌های شکسته از موضع خود جابه‌جا شده و برای درمان شکستگی و التیام لازم است ابتدا استخوان‌ها به جای خود بازگردانده شود. در احادیث متعدد برای جابه‌جایی استخوان میزان خاصی از دیه تعیین شده است. در عین حال در کتاب دینات قانون مجازات اسلامی هیچ اشاره‌ای به این صدمه و میزان دیه آن نشده است. در پاره‌ای از موارد نیز دیه جابه‌جایی استخوان به اشتباه ذیل دیه دررفتگی مفصل استخوان درج شده است. این مقاله به هدف کشف ضابطه شرعی در تعیین میزان دیه جابه‌جایی استخوان (نقل العظم) و با رویکرد نقد و تحلیل مواد مرتبط با صدمات استخوانی (مواد ۵۶۹ تا ۵۷۵) قانون مجازات اسلامی، به مطالعه متون روایی و فقهی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که براساس متون روایی معتبر، میزان دیه جابه‌جایی استخوان -جز در موارد استثنا- به شکل ضابطه مند نصف دیه شکستگی عضو است که این میزان به دیه شکستگی عضو افزوده می‌شود؛ از این رو مناسب است ماده جدیدی مطابق قاعده مذکور تأسیس و موارد استثنا نیز در تبصره بیان شود.

واژگان کلیدی: جابه‌جایی استخوان، نقل العظم، منقله، دیه، دررفتگی استخوان.

از جمله آسیب‌های شایع در صدمات استخوانی، شکستگی استخوان است. شکستگی استخوان در پی وارد شدن نیروی بیش از حد قابل تحمل به استخوان اتفاق می‌افتد و به شکل‌های متفاوتی بروز می‌یابد. گاهی شکستگی به اندازه‌ای شدید است که سبب خرد شدن و تبدیل استخوان به ذرات متعدد کوچک می‌شود. گاهی نیز ضربه به حدی است که سبب شود استخوان به دو یا حتی چند قطعه جدا از هم تبدیل شود و احیاناً سبب جابه‌جایی استخوان‌های شکسته شده می‌شود. در این صورت، برای التیام شکستگی لازم است ابتدا استخوان‌های شکسته را به موضع نخست خود برگرداند و سپس مدتی بی حرکت نگاه داشته شود تا به اصطلاح جوش بخورد. گاهی نیز شدت ضربه کمتر است و شکستگی بدون جابه‌جایی استخوان اتفاق می‌افتد، مثلاً ممکن است تنها یک ترک مویی در استخوان حادث شود.^۱

در احادیث متعدد برای جابه‌جایی استخوان میزان خاصی از دیه تعیین شده است. در متون فقهی نسبت به میزان دیه اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی از فقها -تفصیل نظرات در بحث آرای فقهی بیان خواهد شد- در اینجا متعرض قاعده کلی شده‌اند. در عین حال، درباره مضمون قاعده و میزان دیه اتفاق نظر وجود ندارد و دو نظر کلی دیده می‌شود. برخی نیز اشاره به قاعده کلی ندارد و تنها به دیه جابه‌جایی استخوان در برخی اعضای خاص اشاره کرده‌اند.

قانون مجازات اسلامی نیز با وجود آنکه در فصل دوم از بخش دوم کتاب دیات به قواعد عمومی دیه اعضا پرداخته است اما هیچ اشاره‌ای به این صدمه و میزان دیه آن نکرده است. در مقالات و پژوهش‌های منتشر شده نیز اثری راجع به این موضوع یافت نشد. هرچند در رابطه با اصل قاعده شکستگی و نقد آن، همچنین صدمه در رفتگی استخوان از مفصل مقالاتی نگاشته شده است،^۲ اما در این مقالات هیچ‌گونه اشاره‌ای به صدمه جابه‌جایی استخوان بر اثر شکستگی و دیه آن نشده است. از این‌رو، شاید نزدیک‌ترین مقاله به موضوع یادشده، مقاله «مطالعه تطبیقی دیه در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه» باشد و به نظر می‌رسد این تحقیق نخستین پژوهش درباره موضوع یادشده باشد. در متون فقهی فقیهان امامی نیز تنها به صورت موردی و جزئی در برخی اعضا به تبعیت از فقرات روایت ظریف اشاره به میزان دیه شده است. اما راجع به مفهوم‌شناسی و ماهیت آسیب و حکم کلی مسئله در قالب قاعده فقهی مقاله‌ای دیده نمی‌شود. این جستار با هدف کشف ضابطه شرعی در تعیین میزان دیه جابه‌جایی استخوان (نقل العظم) و با

۱. مراحل درمان شکستگی استخوان کدام‌اند؛ <https://www.iranorthoped.com/fa/news/42/> (دسترسی در ۱۴۰۱/۹/۱۵).

۲. بای، «تأملی در قاعده دیه شکستگی استخوان‌ها»، ۵۹ تا ۳۱؛ صادق‌پور، «قاعده دیه شکستگی: بازتاب فاصله‌ای میان مشهور و مألوم»، ۷۴۹ تا ۷۳۳؛ شاکر، بای، «مطالعه تطبیقی قاعده در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، ۳۶ تا ۷.

رویکرد به تحلیل و نقد مواد مرتبط با صدمات استخوانی (مواد ۵۶۹ تا ۵۷۵) قانون مجازات اسلامی به مطالعه متون روایی و فقهی می‌پردازد. شیوه پژوهش، تحلیلی و انتقادی و اجتهادی است. گردآوری محتوا نیز به روش کتابخانه‌ای و جست‌وجو در منابع فقه است. از این رو، در ادامه پس از تفسیر اصطلاحات مرتبط با موضوع و بیان آرای فقهی به مطالعه و ارزیابی روایات مربوط به دیه «نقل العظم» می‌پردازیم و می‌کوشیم با تحلیل روایات، قواعد مربوط به تعیین دیه جابه‌جایی استخوان را استخراج کنیم.

۱. ادبیات پژوهش

صدمات گوناگون وارد بر جسم در ادبیات فقهی دارای عناوین خاصی است. از این رو، پیش از ورود به مباحث حکمی دیات، شناخت اصطلاحات متداول در این بخش و تفکیک آن‌ها از یکدیگر ضروری است. برای نمونه، در بخش جراحات، عناوینی مانند حارصه، دامیه، باضعه، متلاحمه، سمحاق و... نیازمند به تعریف و بازشناسی هستند. ذیل صدمات وارد بر استخوان نیز اصطلاحات متعددی وجود دارد؛ فک (در رفتگی مفصل)،^۳ صدع (ترک برداشتن)،^۴ کسر (شکستن)،^۵ رض (کوبیدگی و خرد شدن)^۶ و نقل (جابه‌جایی)^۷ عناوینی هستند که در بخش صدمات استخوانی قرار می‌گیرند. همچنین ممکن است شکستگی‌ها متعدد باشد و در چند موضع اتفاق بیفتد.^۸ از نظر پزشکی هرگونه ایجاد گسستگی و تفرق در بافت استخوان که دارای بافتی منسجم و سخت است، شکستگی خوانده می‌شود. بنابراین شکستگی از نگاه پزشکی مفهوم عامی دارد که مواردی مانند ترک برداشتن، درهم فرو رفتن و فشرده شدن، کنده شدن استخوان و... همگی از مصادیق آن به شمار می‌رود.^۹

۱.۱. مفهوم «نقل العظم» در ادبیات روایی

«نقل» به معنای جابه‌جایی و تغییر مکان است.^{۱۰} «نقل العظم» به معنای جابه‌جایی استخوان است و در ترکیب «نقل العظم» تأسیس اصطلاح جدیدی مدنظر نیست.

۳. جابه‌جایی سطوح مفصلی و در رفتن مفصل از جای خود؛ ممکن است سطح تماس به‌طور کامل قطع شود (dislocation) یا اینکه همچنان تماس برقرار باشد (subluxation).

۴. شکستگی بر اثر ضربه جزئی که فاقد حرکت ضعیف است و تنها یک خط مویی ایجاد می‌شود (Hair Line Fracture).

۵. از هم گسستگی استخوان که ممکن است به شکل‌های مختلف مانند عرضی یا مایل باشد (Spiral Fracture-Transverse Fracture).

۶. شکستگی که بر اثر آن استخوان به قطعات متعدد تقسیم شود (Comminuter Fracture).

۷. جابه‌جاشدن استخوان بر اثر شکستگی، به‌گونه‌ای که درمان متوقف بر برگرداندن استخوان به جای نخست خود باشد (Displacement).

۸. زمانی که استخوان از چند نقطه مختلف شکسته شود (Segmental Fracture)، مثلاً استخوان باز و هم از نزدیک آرنج و هم از نزدیک شانه دچار شکستگی شود.

۹. علمی‌هرندی و دیگران، ارتوپدی و شکستگی‌ها، ۲۰۱۷؛ احمدی و دیگران، مبانی آسیب‌های استخوان و مفاصل در بخش اورژانس، ۳۲ تا ۳۶.

۱۰. جوهری، الصحاح، ۱۸۳۳/۵؛ ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۶۳/۵.

جابه جايي استخوان به دو شکل متصور است: ۱. در رفتگی؛ در این شکل از آسیب، قسمت ابتدا یا انتهای استخوان که محل تلاقی آن با استخوان دیگر بوده و در اصطلاح «مفصل» نامیده می شود از محل خود خارج می شود. خروج استخوان از ناحیه مفصل در عرف «در رفتگی استخوان» نامیده می شود. در این قسم از جابه جايي، شکستگی و تفرق در ساختار استخوان اتفاق نمی افتد؛ ۲. جابه جايي ناشی از شکستگی؛ توضیح اینکه شکستگی استخوان به شکل های مختلف اتفاق می افتد: گاهی شکستگی خفیف است، به گونه ای که تنها سبب ترک خوردگی خفیف یا نسبتاً شدید می شود اما استخوان در امتداد خود باقی می ماند و جابه جايي اتفاق نمی افتد. در این حالت، درمان استخوان آسان تر است و برای ترمیم آن کافی است که استخوان برای مدتی بدون حرکت و فشار باقی بماند و نیازی به جراحی یا جابه جايي استخوان نیست. اما گاهی شکستگی شدید و به گونه ای است که استخوان حداقل به دو قطعه تبدیل می شود و از جای خود حرکت می کند. در این صورت درمان و ترمیم استخوان نیازمند جابه جايي و قراردادن استخوان ها در جای نخست خود است تا به تدریج شکستگی استخوان التیام یابد و به اصطلاح جوش بخورد.^{۱۱}

مقصود از «نقل العظم» در روایات، شکل اخیر از شکستگی است. انتخاب معنای اخیر مستند به دلایل متعددی است: اول. عنوان «نقل العظم» در روایات و متون فقهی مقابل عنوان «فک العظم» قرار می گیرد و از عبارات لغت دانان و برخی از فقها استفاده می شود که «فک العظم» به معنای در رفتگی استخوان است،^{۱۲} از این رو تفسیر مناسب برای «نقل العظم» در میان دو معنای یاد شده، معنای اخیر است.

دوم. در فقرات متعدد - روایات مربوطه در ادامه بیان خواهد شد - ديه «نقل العظم» با ديه شکستگی و موضحه جمع و سپس بیان می شود، حال آنکه در رفتگی مفصل ملازمه ای با ديه شکستگی ندارد، اما جابه جايي استخوان به بیانی که گذشت ملازمه دائمی با شکستگی دارد و در بسیاری از موارد با موضحه نیز همراه است. برای نمونه، در حدیث صحیح ظریف درباره آسیب های شانه آمده است: «... فَإِنْ أُوضِحَ فِدْيَتُهُ رُبْعَ دِيَّةِ كَسْرَةٍ خَمْسَةَ وَعَشْرُونَ دِينَارًا فَإِنْ نَقَلَتْ مِنْهُ الْعِظَامُ فِدْيَتُهُ مِائَةُ دِينَارٍ وَ خَمْسَةَ وَسَبْعُونَ دِينَارًا مِنْهَا مِائَةُ دِينَارٍ دِيَّةُ كَسْرَةٍ وَ خَمْسُونَ دِينَارًا لِنَقْلِ الْعِظَامِ وَ خَمْسَةُ وَعَشْرُونَ دِينَارًا لِلْمُوضِحَةِ»؛^{۱۳} اگر استخوان شانه جابه جا شود، ديه آن یکصد و هفتاد و پنج دینار است که از این مقدار، یکصد دینار آن برای شکستگی استخوان، پنجاه دینار آن برای جابه جايي استخوان و بیست و پنج دینار آن برای جنایت موضحه است.

۱۱. المن و دیگران، پرسش و پاسخ پزشکی، ۹۹ تا ۹۵.

۱۲. ابن درید، جمهرة اللغة، ۱/۱۶۱؛ ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث والثر، ۳/۴۶۶؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴/۴۳۳؛ مدنی کاشانی، کتاب الدیات، ۲۵۵؛ حکیم، منهاج الصالحین، ۳/۳۰۸ تا ۳۱۰.

۱۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۰/۳۰۰.

سوم. دیه «نقل العظم» در روایت بیشتر از دیه «فک العظم» تعیین شده است. تناسب میزان صدمه و دیه قرینه دیگری است بر اینکه مقصود از «نقل العظم» جابه جایی ناشی از شکستگی است، نه دررفتگی مفصل؛ زیرا به روشنی پیداست که جابه جایی استخوان ناشی از شکستگی، آسیب شدیدتری نسبت به جابه جایی ناشی از دررفتگی مفصل استخوان به شمار می‌رود.

چهارم. تعبیر به «نقل العظم» در برخی فقرات نسبت به عضوی مطرح شده است که قابلیت در رفتن ندارد، مثل بازو، ساق پا (در ادامه متن فقرات مختلف حدیث مطرح خواهد شد). استعمال ساق و اراده مفصل زانو یا مفصل مچ پا بعید و خلاف ظاهر است، به ویژه اینکه در خصوص زانو، دیه «نقل العظم» و «فک العظم» آن جداگانه بیان شده است.^{۱۴} از این رو، نمی‌توان مقصود از «نقل العظم» در ساق پا را نیز در این روایت دوباره به دررفتگی زانو تفسیر کرد.

پنجم. تصریح بسیاری از فقیهان؛ بسیاری از فقیهان احکام جنایات وارده بر سر را به ترتیب از ضعیف به شدید بیان کرده‌اند. در عبارات ایشان، جنایت «منقله» پس از جنایت «هاشمه» که به معنای شکستن و خرد شدن استخوان است و پیش از جنایت مأمومه ذکر شده است.^{۱۵}

صاحب جواهر در ذیل جنایت «منقله» پس از بیانی نسبتاً مفصل درباره معنای این واژه و نقل عبارات دیگران، معنای منتخب در اینجا را برگزیده است. ایشان می‌نویسد: «منقله، همچنان که در عبارات جمعیه از فقها آمده است، جنایتی است که به دلیل شکسته شدن استخوان نیاز به جابه جایی استخوان دارد. عبارات برخی دیگر از فقها نیز که گفته‌اند منقله، جنایتی است که در آن استخوان شکسته و برای درمان، انسان نیاز به جابه جایی استخوان از مکانش به جای دیگر دارد، به این معنا بر می‌گردد.»^{۱۶}

ابن قدامه از فقیهان عامه نیز درباره جنایت منقله آورده است: «الْمُنْقَلَةُ: زَائِدَةٌ عَلَى الْهَاشِمَةِ، وَهِيَ الَّتِي تَكْسِرُ الْعِظَامَ وَتُزِيلُهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا، فَيَحْتَاجُ إِلَى نَقْلِ الْعِظَمِ لِيَلْتَمَ. وَفِيهَا خَمْسَ عَشْرَةَ مِنَ الْإِبِلِ. بِاجْمَاعٍ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ»؛^{۱۷} منقله جنایتی شدیدتر از هاشمه است و عبارت است از اینکه: استخوان‌ها بشکند و از جای خود حرکت کند، در نتیجه برای التیام نیاز به این است که ابتدا استخوان را جابه‌جا کنند و سر جای خود قرار دهند.

تهانوی درباره صدمه «منقله» می‌گوید: اگر ضربه به سر به مرتبه‌ای برسد که پوست و گوشت را

۱۴. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵/۱۰.

۱۵. کلینی، الکافی، ۳۹۵/۷؛ طوسی، النهاية، ۷۷۵؛ آبی، کشف الرموز، ۶۷۰/۲؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲۵۹/۴؛ علامه حلی، تبصرة المتعلمین، ۲۰۴؛

فاضل مقداد، التنقیح الرائع، ۵۰۴/۴ و دیگران.

۱۶. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۳۳۲/۴۳.

۱۷. ابن قدامه، المغنی، ۱۶۴/۱۲.

محمّدی؛ دیة جابه‌جایی استخوان شکسته با رویکرد به نقد ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی/۱۹۷

بشکافد و استخوان سر بشکند و علاوه بر شکستگی، استخوان جابه‌جا شود اما نه مقداری که به مغز برسد، به آن منقله گفته می‌شود.^{۱۸}

براساس آنچه گفته شد روشن می‌شود که «نقل العظم» در امتداد صدمه شکستن استخوان است و در صورتی اتفاق می‌افتد که بر اثر شکستگی، استخوان‌ها از موضع خود جابه‌جا شود، به گونه‌ای که درمان و التیام استخوان نیازمند این باشد که ابتدا استخوان‌های شکسته را سر جای نخست خود برگردانند. بنابراین، سخن برخی نویسندگان که «نقل العظم» را به معنای دررفتگی مفصل استخوان دانسته‌اند، نادرست است.^{۱۹} این سوء برداشت از روایات در برخی آثار پژوهشی دیگر نیز دیده می‌شود، مانند اینکه درباره «دررفتگی» مهره‌های ستون فقرات حکم به پنجاه دینار شده و مستند به روایاتی شده است که در آن دیة «نقل العظم»، نصف دیة «کسر العظم» دانسته شده است.^{۲۰}

۲. دیة جابه‌جایی استخوان در قوانین موضوعه

قانون مجازات اسلامی در قواعد عمومی دیة اعضا از ماده ۵۶۸ تا ۵۷۴ به دیة انواع آسیب‌های وارده به استخوان پرداخته است. در ماده ۵۶۹ دیة انواع آسیب‌های استخوان؛ اعم از شکستن، خردشدن، ترک برداشتن و نیز موضعه و نافذه اشاره شده است. باین حال، اشاره‌ای به جابه‌جایی استخوان نشده است. در ماده ۵۷۱ قانون مذکور نیز دیة دررفتگی به صورت ضابطه کلی بیان شده است. آنچه در اینجا در این ماده اشاره شده است نیز مطابق قاعده جابه‌جایی استخوان نیست.

در مبحث دوازدهم از فصل سوم (دیة مقدر اعضا) در ماده ۶۵۴ به طور خاص به دیة موضعه، ترک خوردن و دررفتگی دنده‌ها پرداخته و میزان دیة در رفتن دنده‌های محیط به قلب، هفت و نیم هزارم و سایر دنده‌ها پنج هزارم دیة کامل تعیین شده است. در ماده ۶۵۷ دیة موضعه نیز ترک خوردن و دررفتگی استخوان‌های ترقوه بیان شده است. براساس ماده مذکور دیة دررفتگی استخوان ترقوه بیست هزارم دیة کامل تعیین شده است.

مقادیر تعیین شده در دو ماده اخیر مربوط به صدمه جابه‌جایی استخوان است اما در این ماده با عنوان دررفتگی آمده است که مورد انتقاد است. بررسی و نقد مواد یادشده در انتهای مقاله مطرح می‌شود.

۱۸. نهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ۱/۱۰۰۸.

۱۹. شاکر، بای، «مطالعه تطبیقی قاعده دررفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، ۱۲.

۲۰. شاکر، صدیق آخا، «تأملی در دیة صدمات وارده بر ستون فقرات»، ۲۶۰.

۳. دیه جابه‌جایی استخوان در فقه

درباره ملاک تعیین دیه در جابه‌جایی استخوان دو بیان مختلف در متون فقهی مشاهده می‌شود: ۱. تعیین میزان دیه به تناسب دیه جابه‌جایی استخوان سر؛ ۲. نصف دیه شکستگی آن استخوان. برخی نویسندگان، این اختلاف بیان در شیوه محاسبه را حاکی از تفاوت دیدگاه‌ها دانسته و اظهار داشته‌اند درباره دیه «نقل العظم» دو نظریه فقهی وجود دارد^{۲۱} اما به نظر می‌رسد این برداشت نادرست است و میزان دیه «نقل العظم» در هر دو بیان یکسان است، هرچند در شیوه محاسبه دیه تفاوت دیده می‌شود.

۳. ۱. دیدگاه نخست: تعیین دیه به تناسب دیه جابه‌جایی استخوان سر

جمعی از فقهای متقدم معتقدند که دیه جابه‌جایی استخوان‌ها باید به تناسب دیه جابه‌جایی استخوان سر محاسبه شود. بنابراین باتوجه به اینکه دیه جنایت ناقله سر (جابه‌جایی استخوان سر) پانزده درصد دیه کامل است، دیه جابه‌جایی در سایر موارد، پانزده درصد دیه آن عضو تعیین می‌شود. برای نمونه، دیه آرنج، نصف دیه کامل؛ یعنی ۵۰۰ دینار است. بنابراین دیه جابه‌جایی آرنج ۱۵ درصد دیه آن، یعنی ۷۵ دینار خواهد بود.

شیخ طوسی در این باره می‌گوید: «في نقل عظام الأعضاء لفسادها، مثل ما في نقل عظام الرأس بحساب دية العضو. وكذلك في غيرها من الجراحات.»^{۲۲} نظیر این عبارت در کتب برخی دیگر از فقها نیز به چشم می‌خورد.^{۲۳}

همچنان که پیداست دیه تعیین‌شده در عبارت شیخ طوسی و سایر متون فقهی - به جز کتاب المراسم - مطلق نیست و مقید به قید «لفسادها» است. در کتب فقهی - چه کتب فقهی مذکور و چه در سایر کتب فقهی - تفسیر و توضیحی درباره این عبارت یافت نشد. در تفسیر این عبارت چند احتمال است: احتمال یکم. مقصود از این عبارت همان صدمه جابه‌جایی شایع در استخوان است. با این توضیح که، «فساد» نقطه مقابل «صلاح» است.^{۲۴} راغب اصفهانی فساد را به «خروج شیء از اعتدال» معنا کرده است.^{۲۵} طریحی واژه «صالح» در آیه «لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»^{۲۶} را به معنای فرزند سالم و

۲۱. شاکر، بای، «مطالعة تطبیقی قاعدة در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، ۱۴ تا ۱۶.

۲۲. طوسی، النهاية، ۷۷۷.

۲۳. مفید، المقنعة، ۷۶۸؛ سلار دیلمی، المراسم العلویة، ۲۴۸؛ ابن‌ادریس، السرائر، ۴۱۱/۳؛ محقق حلی، نکت النهاية، ۴۵۶/۳.

۲۴. فراهیدی، کتاب العین، ۲۳۱/۷؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۳۵۷/۱۲؛ صاحب‌بن‌عباد، المحيط فی اللغة، ۲۸۸/۸؛ جوهری، الصحاح، ۵۱۹/۲.

۲۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۶۳۶/۱.

۲۶. اعراف: ۱۸۹.

خالی از عیب و نقص دانسته است.^{۲۷} بنابراین، منظور از عبارت یادشده جابه‌جا کردن استخوانی است که منشأ آن خروج استخوان از محل طبیعی خود (فساد) باشد. به عبارت دیگر، «نقل العظام» در راستای درمان فساد است. فساد در اینجا به معنای خروج استخوان از محل طبیعی خود است و «نقل العظام» به معنای جانداختن استخوان است.

براساس این احتمال، منظور از این عبارت «فی نقل عظام الاعضاء لفسادها...» این است که هرگاه ایراد صدمه به عضوی سبب جابه‌جایی استخوان شود، به گونه‌ای که درمان و اصلاح آن نیازمند جابه‌جا کردن و جانداختن استخوان داشته باشد، دیه آن به تناسب دیه جابه‌جایی استخوان سر (پانزده درصد) تعیین می‌شود.

احتمال دوم. مقصود از قید «لفسادها» جابه‌جایی استخوانی است که معلول فساد استخوان باشد، نه معلول مستقیم ضربه و جنایت. بنابراین، منظور از جابه‌جایی استخوان در اینجا آن نوع جابه‌جایی است که منشأ آن فساد استخوان باشد. به بیان دیگر، «نقل عظام» در اینجا اثر مستقیم ایراد ضربه بر مجنی‌علیه نیست، اثر با واسطه آن است؛ به این شکل که ایراد جنایت سبب فساد استخوان شده و این فساد استخوان سبب جابه‌جایی آن شده است.

براساس این تفسیر، «نقل عظام» به معنای آن نوع جابه‌جایی نیست که اثر مستقیم اثر جانی باشد؛ زیرا ظاهر تعلیل «لفسادها» حاکی از این است که «نقل عظام» به طور مستقیم مسبب از فساد عظام است، نه مسبب از ایراد ضربه جانی.

از میان قدماء، سلار دیلمی تنها فقیهی است که قید «لفسادها» را ذکر نکرده و به صورت مطلق دیه جابه‌جایی استخوان‌های سایر اعضا را مانند دیه جابه‌جایی استخوان‌های سر دانسته است.^{۲۸}

تحلیل و نقد معیار نخست: طرف‌داران معیار نخست، دلیلی بر مدعای خویش اقامه نکرده‌اند. ممکن است دلیل ایشان روایات دیه شجاج (دیه جراحات سر و صورت) بوده است. برای نمونه، در صحیح‌ه حلبی آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِي الْمَوْضِعَةِ خَمْسٌ مِنَ الْإِثْلِ وَفِي السَّمْحَاقِ أَرْبَعٌ مِنَ الْإِثْلِ وَ الْبَاضِعَةِ ثَلَاثٌ مِنَ الْإِثْلِ وَ الْمَأْمُومَةِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ مِنَ الْإِثْلِ وَ الْجَانِفَةِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ مِنَ الْإِثْلِ وَ الْمُثْقَلَةِ خَمْسٌ عَشْرَةَ مِنَ الْإِثْلِ.»^{۲۹} مقصود از جنایات یادشده در این روایت و روایات مشابه، جنایات وارده بر سر و صورت است و قراین

۲۷. طریحی، مجمع البحرین، ۳۸۶/۲.

۲۸. سلار دیلمی، المراسم العلویة، ۲۴۸.

۲۹. کلینی، الکافی، ۳۲۶/۶.

متعددی این ادعا را تأیید می‌کند: نخست، برخی از عناوین ذکر شده در اینجا مانند «مأمومه» اختصاص به سر دارد؛^{۳۰} دوم، مقادیر تعیین شده متناسب با دیه جراحات سر و صورت هستند و در سایر اعضا به تناسب دیه آن عضو دیه متغیر خواهد بود. برای مثال، میزان دیه موضعه یا باضعه اگر در یکی از دو دست یا یکی از انگشتان دست اتفاق بیفتد، متفاوت خواهد بود.^{۳۱} سوم، کلینی و سایر محدثان این روایت را در ضمن جنایات شجاج (جراحات سر و صورت) آورده‌اند و فهم عموم فقیهان نیز اختصاص موارد یاد شده به جنایات سر است.^{۳۲}

بنابراین، استدلال به این روایت مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد روایت؛ یعنی شجاج (جنایات سر و صورت) و تعمیم آن به جابه‌جایی استخوان‌های سایر اعضاست اما این استدلال نادرست است، زیرا الغای خصوصیت در جایی اتفاق می‌افتد که احتمال اختصاص حکم به مورد مذکور در روایت منتفی باشد.^{۳۳} اما در اینجا احتمال خصوصیت مورد مذکور در روایت، یعنی سر و صورت منتفی نیست. سر در میان اجزای بدن، یکی از مهم‌ترین اجزا شمرده می‌شود و ممکن است احکام یاد شده به سبب اهمیت ویژه سر و صورت، اختصاص به آن داشته باشد. همچنان که دیه شکستگی استخوان‌های بدن - در فرض عدم بهبودی - در بیشتر اعضای بدن، یک پنجم دیه آن عضو یا نزدیک به این مقدار تعیین شده است.^{۳۴} اما دیه شکستگی ستون فقرات معادل دیه کامل نفس تعیین شده است.^{۳۵}

افزون بر اینکه - با فرض مغایرت میان این معیار و معیار دوم - این روایت با روایات مورد استناد معیار دوم مانند روایت یونس، که در آن به صراحت بیان شده است که دیه جابه‌جایی استخوان نصف دیه شکستگی آن است، تنافی دارد. با وجود روایت یونس و سایر روایات خاصه، الغای خصوصیت از روایت حلبی نادرست است. روایات مورد اشاره در ادامه به تفصیل مطرح خواهد شد.

به نظر نگارنده، این شیوه محاسبه دیه با معیاری که در ادامه به عنوان معیار دوم مطرح خواهد شد، هر دو به یک میزان از دیه بر می‌گردد. توضیح اینکه، در روایت حلبی میزان دیه منقله یکصد و پنجاه دینار تعیین شده است؛ یعنی دیه شکستگی سر (هاشمه) به علاوه نصف آن. از سوی دیگر براساس دیدگاه دوم، دیه نقل

۳۰. ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ۱۶۷/۴؛ سلار دیلمی، المراسم العلویة، ۲۴۷؛ ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ۴۰۰؛ ابن ادریس، السرائر، ۴۰۷/۳.

۳۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۷ تا ۲۹۷/۱۰.

۳۲. کلینی، الکافی، ۳۲۶/۶؛ مجلسی، روضة المتقین، ۴۷۰/۱۰؛ فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، ۱۵۳/۲؛ مجلسی، مرآة العقول، ۱۱۶/۲۴.

۳۳. لجنة الفقه المعاصر، الفائق فی الاصول، ۱۸۱.

۳۴. ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ۸۴/۴، ۸۵، ۸۹.

۳۵. کلینی، الکافی، ۳۱۱/۷؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۶۰/۱۰.

محمدی؛ دیه جابه‌جایی استخوان شکسته با رویکرد به نقد ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی/۲۰۱

العظم، نصف دیه شکستگی آن عضو است که به دیه شکستگی آن عضو افزوده می‌شود. بنابراین هرگاه شکستگی سبب نقل العظم شود، دیه مجموع شکستگی و نقل العظم یک‌و‌نیم برابر دیه شکستگی آن عضو است؛ مثلاً دیه دست پانصد دینار است. دیه شکستگی آن یکصد دینار است و دیه نقل العظم آن، پنجاه دینار است. پس در شکستگی استخوان دست که سبب جابه‌جایی استخوان آن شود، در مجموع یکصد و پنجاه دینار که یک‌و‌نیم برابر دیه شکستگی آن است، ثابت می‌شود. دیه نقل العظم واقع در سر نیز به همین شکل تعیین شده است؛ یعنی دیه منقله یکصد و پنجاه دینار تعیین شده است، با این تفاوت که در خصوص سر، دیه نقل العظم و شکستگی (هاشمه) با هم جمع شده و یکجا بیان شده است. اما در سایر اعضا دیه نقل العظم جدا از دیه شکستگی عضو بیان شده است که در نهایت به دیه شکستگی آن عضو افزوده می‌شود.

۳.۲. دیدگاه دوم: نصف دیه شکستگی استخوان‌ها

جمعی دیگر از فقیهان معتقدند که میزان دیه جابه‌جایی به شکل کلی و قاعده‌مند در همه استخوان‌ها، به جز موارد خاصی که میزان دیگری برای آن تعیین شده است مثل استخوان سر و صورت یا دنده‌ها، عبارت است از نصف دیه شکستگی همان استخوان.^{۳۶}

حال اگر قاعده شکستگی اعضا را بپذیریم، میزان دیه جابه‌جایی نیز از این قاعده تبعیت خواهد کرد. براساس قاعده شکستگی اعضا، شکستگی استخوان در صورت عدم بهبودی موجب یک‌پنجم دیه آن عضو (معادل ۲۰ درصد) و در صورت بهبودی کامل موجب چهارپنجم از یک‌پنجم دیه آن عضو (معادل ۱۶ درصد) خواهد بود. بنابراین، دیه جابه‌جایی استخوان در فرض بهبودی، معادل هشت درصد دیه آن عضو و در فرض عدم بهبودی، معادل ده درصد دیه آن عضو تعیین می‌شود.

طبق نظر مختار این نوشتار -همسو با برخی فقیهان- قاعده دیه شکستگی اعضا پذیرفتنی نیست،^{۳۷} لذا قهراً میزان دیه جابه‌جایی در هر عضوی وابسته به میزان دیه شکستگی است که برای آن عضو مقدر شده است. در مواردی که میزان دیه شکستگی تقدیر معینی ندارد بایستی ارش تعیین شود.

تحلیل و نقد معیار دوم: معیار دوم متکی به دو دلیل است:

أ. بیان قاعده کلی در صحیحہ یونس: در این روایت، معیار در محاسبه دیه «نقل العظم» به صورت قاعده‌ای کلی بیان شده است. متن کامل این حدیث با عنوان معروف «کتاب ظریف» با اسناد متعدد در

۳۶. ابن سعید، الجامع للشرائع، ۶۱۱؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ۴۴۳/۱۱؛ خویی، مبانی تكملة المنهاج، ۴۰۴/۴۲؛ سبزواری، مهذب الأحكام، ۲۵۰/۲۹؛ تبریزی، تنقیح مبانی الأحكام؛ کتاب الدیات، ۲۳۴؛ روحانی، فقه الصادق، ۲۹۶/۲۶.
۳۷. خویی، مبانی تكملة المنهاج، ۴۰۰/۴۲.

کتب روایی نقل شده است. شیخ صدوق و شیخ طوسی این حدیث را به طور کامل در کتاب من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام نقل کرده اند. کلینی نیز در کتاب کافی بخش های مختلف این حدیث را به مناسبت موضوعات مختلف در باب دیات نقل کرده است. کتاب ظریف، مهم ترین و مفصل ترین روایت در باب دیات است. کلینی با چهار سند، شیخ صدوق با یک سند و شیخ طوسی با هفت سند این روایت را نقل کرده اند. برخی از اسناد یادشده صحیح و برخی موثق است.^{۳۸} در مسائل دیات نیز به طور فراوان مورد استناد فقها قرار گرفته است. از این رو، از جهت سند جای تردید و بحث نیست و بدون شک، حدیث معتبر است.

بخش هایی از این روایت نیز جداگانه در کتب روایی بیان شده است. برای نمونه، کلینی در کافی آورده است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ عَرَضْتُ الْكِتَابَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ (ع) فَقَالَ هُوَ صَحِيحٌ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي دِيَةِ جَرَاحَاتِ الْأَعْضَاءِ كُلِّهَا فِي الرَّأْسِ وَالْوَجْهِ وَ سَائِرِ الْجَسَدِ ... فَإِنَّ دِيَةَ كُلِّ عَظْمٍ كَسِيرٍ مَعْلُومٍ دِيَّتُهُ وَ نَقْلُ عِظَامِهِ نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهِ.»^{۳۹}

این حدیث مشتمل بر دو سند است: سند نخست، علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن ابی الحسن (ع)؛

سند دوم، علی بن ابراهیم عن ابیه ابراهیم بن هاشم عن ابن فضال قال عرضت الكتاب على أبي الحسن (ع).

هر دو سند نیز معتبر و مشتمل بر راویان مشهور و ثقه است.

از نظر دلالتی، امام (ع) پس از تأیید مفاد کتاب ظریف که مشتمل بر احکام بیان شده توسط امیرالمؤمنین (ع) راجع به جنایات اعضاست، به دیات برخی از جنایات پرداخته و فرمود: دیه جابه جایی استخوان نصف دیه شکستگی آن استخوان است. سخن امام (ع) در اینجا مطلق است و اختصاص به عضو خاصی ندارد، بنابراین مفید قاعده ای کلی راجع به جابه جایی استخوان هاست.

ب. الغای خصوصیت از موارد خاصه در روایت ظریف: علاوه بر آنچه به صورت کلی در روایت یونس بیان شد، در روایت معروف ظریف میزان دیه «نقل العظم» در اعضای متعدد بدن بیان شده است.

۳۸. برای نمونه: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن ابی الحسن الرضا علیه السلام؛ کلینی، الکافی، ۳۲۴/۷.

علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن فضال عن ابی الحسن الرضا علیه السلام؛ کلینی، الکافی، ۳۲۴/۷.

علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن الرضا علیه السلام؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۹۵/۱۰.

۳۹. کلینی، الکافی، ۳۲۷/۷.

مقادیر یادشده همواره دارای نسبت هماهنگ با دیه شکستگی، یعنی نصف دیه شکستگی است. در برخی موارد -مثل ترقوه، بازو، ران پا، ساق- نیز به این نکته تصریح شده است که این مقدار دیه، نصف دیه شکستگی آن است. با الغای خصوصیت از این موارد می‌توان از آن به قاعده‌ای کلی درباره این نوع جنایت دست یافت:

۱. استخوان ترقوه: «وَفِي التَّرْقُوةِ إِذَا انْكَسَرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثَمٍ وَلَا عَيْبٍ أَرْبَعُونَ دِينَارًا... فَإِنْ نُقِلَ مِنْهَا الْعِظَامُ فَلَدِيَّتُهَا نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا عِشْرُونَ دِينَارًا»؛^{۴۰} دیه ترقوه هرگاه شکسته شود و بدون عیب بهبودی یابد چهل دینار است... دیه جابه‌جایی آن نصف دیه شکستگی آن، معادل بیست دینار است.

۲. استخوان شانه: «دِيَةُ الْمَنْكِبِ إِذَا كُسِرَ خُمُسُ دِيَةِ الْيَدِ مِائَةً دِينَارًا... إِنْ نُقِلَتْ مِنْهُ الْعِظَامُ فَلَدِيَّتُهُ... خَمْسُونَ دِينَارًا لِنَقْلِ الْعِظَامِ»؛^{۴۱} استخوان شانه اگر بشکند یک‌پنجم دیه دست، معادل یکصد دینار و دیه دررفتگی آن پنجاه دینار است.

۳. دنده‌ها: «وَفِي الْأَضْلَاعِ مِمَّا يَلِي الْعِضْدَيْنِ دِيَةُ كُلِّ ضِلْعٍ عَشْرَةُ دَنَانِيرٍ إِذَا كُسِرَ... وَدِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهِ خَمْسَةُ دَنَانِيرٍ»؛^{۴۲} دیه شکستگی هریک از دنده‌های کنار بازوها دیه دینار... و دیه جابه‌جایی استخوان آن، پنج دینار است.

۴. دررفتگی بازو: «وَفِي الْعِضْدِ إِذَا كُسِرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثَمٍ وَلَا عَيْبٍ فَلَدِيَّتُهَا خُمُسُ دِيَةِ الْيَدِ مِائَةً دِينَارًا... وَدِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهَا نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا خَمْسُونَ دِينَارًا»؛^{۴۳} اگر استخوان بازو بشکند و بهبودی کامل یابد، دیه آن یکصد دینار است و دیه جابه‌جایی آن پنجاه دینار است.

۵. جابه‌جایی آرنج: «فِي الْمِرْفَقِ إِذَا كُسِرَ فَجُبِرَ عَلَى غَيْرِ عَثَمٍ وَلَا عَيْبٍ فَلَدِيَّتُهُ مِائَةً دِينَارًا... وَلِنَقْلِ الْعِظَامِ خَمْسُونَ دِينَارًا»؛^{۴۴} دیه استخوان آرنج اگر بشکند و بهبودی کامل پیدا کند، یکصد دینار و دیه جابه‌جایی آن پنجاه دینار است.

۶. جابه‌جایی استخوان باسن: «فِي الْوَرَكِ إِذَا كُسِرَ فَجُبِرَ عَلَى غَيْرِ عَثَمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجْلَيْنِ مِائَتًا دِينَارًا... لِنَقْلِ عِظَامِهَا خَمْسُونَ دِينَارًا»؛^{۴۵} دیه شکستگی استخوان باسن هرگاه بهبودی یابد، دویست دینار است و دیه جابه‌جایی آن استخوان باسن نیز پنجاه دینار است.

۴۰. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۰/۱۰.

۴۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۰/۱۰.

۴۲. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۴/۱۰.

۴۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۱/۱۰.

۴۴. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۱/۱۰.

۴۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵ تا ۳۰۴/۱۰.

در این روایت دیه شکستگی استخوان نشیمن گاه معادل یک پنجم دیه عضو، یعنی دویست دینار تعیین شده است. از عبارت «خمس دية الرجلین مائتا دینار» روشن می شود که مقصود استخوان هر دو ران است.^{۴۶} دیه جابه جایی نیز پنجاه دینار تعیین شده است که یک چهارم دیه شکستگی است، نه نصف آن. بنابراین -همچنان که جمعی از فقیهان تصریح کرده اند- در تعیین پنجاه دینار، جابه جایی یکی از دو استخوان باسن مدنظر قرار گرفته است.^{۴۷}

۷. جابه جایی استخوان ران: «فِي الْفَخِذِ إِذَا كُسِرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلَيْنِ مَائَتَا دِينَارٍ... وَ دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهَا نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا مَائَةُ دِينَارٍ»؛^{۴۸} اگر استخوان ران (هر دو پا) دچار شکستگی شود و سپس بهبودی کامل یابد، دیه آن یک پنجم دیه پا، یعنی دویست دینار است... و دیه جابه جایی آن یکصد دینار است.

۸. جابه جایی زانو: «فِي الرُّكْبَةِ إِذَا كُسِرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلَيْنِ مَائَتَا دِينَارٍ... وَ دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهَا مَائَةُ دِينَارٍ وَ خَمْسَةُ وَ سَبْعُونَ دِينَاراً مِنْهَا فِي دِيَةِ كَسْرِهَا مَائَةُ دِينَارٍ وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا خَمْسُونَ دِينَاراً»؛^{۴۹} شکستگی استخوان زانو در فرضی که کاملاً بهبودی پیدا کند دویست دینار است... و جابه جایی (یک) زانو موجب پنجاه دینار است، نظیر آنچه ذیل جابه جایی استخوان باسن گفته شد در اینجا تکرار می شود؛ یعنی در ابتدا نظر به هر دو عضو است اما در برخی صدمات مثل نقل و نقب و فک مقصود یکی از آن دو است.^{۵۰}

۹. جابه جایی ساق: «و فِي السَّاقِ إِذَا كُسِرَتْ فَجُبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلَيْنِ... وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا رُبُعُ دِيَةِ كَسْرِهَا خَمْسُونَ دِينَاراً»؛^{۵۱} شکستگی ساق پا در فرض بهبودی کامل یک پنجم دیه پا، یعنی دویست دینار است و جابه جایی ساق پا یک چهارم شکستگی آن، یعنی پنجاه دینار است. برخی از فقیهان مثل مجلسی اول و دوم، مقصود از نقل عظام را جابه جایی استخوان یکی از دو پا دانسته اند. بنابراین در شکستن ساق یکی از دو پا نصف این مقدار، یعنی یکصد دینار ثابت است. در این صورت این فقره نیز موافق با قاعده ادعایی در باب جابه جایی استخوان ها خواهد بود و تعیین پنجاه دینار

۴۶. مجلسی، روضة المتقین، ۲۶۵/۱۰.

۴۷. تبریزی، تنقیح مبانی الأحکام؛ کتاب الدیات، ۲۲۸؛ خویی، مبانی تکملة المنهاج، ۴۱۶/۴۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۵۷۴/۳، دیگران.

۴۸. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵/۱۰.

۴۹. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵/۱۰.

۵۰. مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۸/۲۴.

۵۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۵/۱۰.

برای جابه‌جایی معادل نصف دیه شکستگی است.^{۵۲}

۱۰. جابه‌جایی استخوان کف پا: «و فِي الْقَدَمِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٌ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلِ مِائَتَا دِينَارٍ ... وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا مِائَةُ دِينَارٍ نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا»؛^{۵۳} شکستگی (هر دو قدم) در فرض بهبودی کامل یک پنجم دیه پا، یعنی دویست دینار است... دیه جابه‌جایی استخوان نصف آن، یعنی یکصد دینار است.

۱۱. جابه‌جایی بند آخر انگشت شست: «دِيَةُ قَصَبَةِ الْإِبْهَامِ الَّتِي فِي الْكَفِّ تُجَبَّرُ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ خُمُسُ دِيَةِ الْإِبْهَامِ ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثُونَ دِينَاراً وَ ثُلُثُ دِينَارٍ إِذَا اسْتَوَى جَبْرُهَا وَ ثَبَّتَ ... وَ دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهَا سِتَّةَ عَشَرَ دِينَاراً وَ ثُلُثَا دِينَارٍ»؛^{۵۴} دیه شکستگی بند انتهایی انگشت شست (متصل به کف) در فرض بهبودی کامل سی و سه دینار و یک سوم دینار است و دیه جابه‌جایی استخوان آن شانزده دینار و دوسوم دینار است.

۱۲. جابه‌جایی بند آخر انگشتان غیر از شست: «وَ دِيَةُ كَسْرِ كُلِّ مَفْصِلٍ مِنَ الْأَصَابِعِ الْأَرْبَعِ الَّتِي تَلِي الْكَفَّ سِتَّةَ عَشَرَ دِينَاراً وَ ثُلُثَا دِينَارٍ ... وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهَا ثَمَانِيَةَ دَنَانِيرٍ وَ ثُلُثُ دِينَارٍ»؛^{۵۵} دیه شکستگی بند متصل به کف در هریک از انگشتان غیر از شست، شانزده دینار و دوسوم دینار است و دیه جابه‌جایی آن هشت دینار و یک سوم دینار است.

۱۳. جابه‌جایی بند ناخنی شست پا: «دِيَةُ الْمَفْصِلِ الْأَعْلَى مِنَ الْإِبْهَامِ وَ هُوَ الثَّانِي الَّذِي فِيهِ الظُّفْرُ سِتَّةَ عَشَرَ دِينَاراً وَ ثُلُثَا دِينَارٍ ... وَ فِي نَقْلِ عِظَامِهِ ثَمَانِيَةَ دَنَانِيرٍ وَ ثُلُثُ دِينَارٍ»؛^{۵۶} دیه شکستگی بند بالای انگشت شست پا که دارای ناخن است شانزده دینار و دوسوم دینار است... و دیه جابه‌جایی آن هشت دینار و یک سوم دینار است.

جدول دیه در بندهای موافق قاعده

عضو آسیب‌دیده	دیه شکستگی	دیه جابه‌جایی استخوان	دیه مجموع شکستگی و جابه‌جایی
۱	استخوان ترقوه	بیست دینار	شصت دینار

۵۲. مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۸/۲۴.

۵۳. کلینی، الکافی، ۳۴۰/۷.

۵۴. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۲/۱۰.

۵۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۳/۱۰.

۵۶. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۶/۱۰.

۲	استخوان شانه	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۳	دنده‌های کنار بازو	ده دینار	پنج دینار	پانزده دینار
۴	استخوان بازو	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۵	استخوان آرنج	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۶	استخوان باسن	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۷	استخوان ران دو پا	دویست دینار	یکصد دینار	سیصد دینار
۸	استخوان زانو	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۹	استخوان ساق	یکصد دینار	پنجاه دینار	یکصد و پنجاه دینار
۱۰	استخوان کف هر دو پا	دویست دینار	یکصد دینار	سیصد دینار
۱۱	استخوان بند آخر انگشت شست	سی و سه دینار و یک سوم	شانزده دینار و دو سوم	پنجاه دینار
۱۲	بند آخر انگشتان غیر از شست	شانزده دینار و دو سوم	هشت دینار و یک سوم	بیست و پنج دینار
۱۳	بند ناخنی انگشت شست پا	شانزده دینار و دو سوم	هشت دینار و یک سوم	بیست و پنج دینار

۴. استثنائات قاعده جابه‌جایی استخوان

با وجود کبرای کلی که درباره دیه جابه‌جایی در روایت ظریف بیان شده و نیز فروعاً متعددی که جداگانه نیز مطرح شده است، در مواردی نیز دیه تعیین شده برای جابه‌جایی مخالف با قاعده مذکور است.

این موارد را -اگر موجب نقض قاعده ندانیم- باید جزء استثنائات قاعده به شمار آورد. از میان موارد یادشده، دو مورد -استخوان ساعد و استخوان کف دست- توجیه‌شدنی است: استخوان ساعد: دیه شکستگی آن سیصدوسی‌وسه دینار و یک‌سوم دینار است و دیه جابه‌جایی آن یکصد دینار است.^{۵۷}

این فقره توجیه‌شدنی است، زیرا هرچند میزان تعیین‌شده در ابتدای روایت ابهام دارد، اما در ادامه جزئیات دیه به تفصیل منعکس شده است. براساس آنچه در ادامه روایت بیان شده است، ساعد متشکل از دو استخوان (زند اعلیٰ و زند اسفل) است. شکستن هر دو موجب یکصد دینار، شکستن هریک از زند اعلیٰ و اسفل، موجب پنجاه دینار و جابه‌جایی استخوان هریک از آن دو موجب بیست و پنجاه دینار است.^{۵۸} استخوان کف دست: دیه شکستگی آن چهل دینار و دیه جابه‌جایی آن بیست دینار و نصف دینار است.^{۵۹}

این فقره نیز توجیه‌شدنی است، زیرا علاوه بر اینکه میزان تعیین‌شده تفاوت بسیار اندکی با قاعده مدّ نظر دارد،^{۶۰} در نقل شیخ طوسی تعارض وجود دارد و ایشان در جای دیگر نقل می‌کند که دیه جابه‌جایی استخوان کف دست، یکصد و هفتاد و هشت دینار است که نصف دیه شکستن آن است.^{۶۱} براساس نقل کتاب کافی، دیه شکستگی یکصد دینار و دیه جابه‌جایی آن پنجاه دینار بیان شده است که مطابق قاعده محسوب می‌شود.^{۶۲}

مواردی که استثنا از قاعده است و توجیه‌شدنی نیست، به جز یک مورد اختصاص به انگشتان دارد:

۱. دنده‌های محیط به قلب: دیه شکستگی آن موجب بیست و پنج دینار و دیه جابه‌جایی آن معادل هفت و نیم دینار است.^{۶۳}
۲. بند ناخن انگشت شست دست: دیه شکستگی آن شانزده دینار و دوسوم دینار و دیه جابه‌جایی آن پنج دینار است.^{۶۴}

۵۷. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۱/۱۰؛ کلینی، الکافی، ۳۳۵/۷.

۵۸. کلینی، الکافی، ۳۳۵/۷.

۵۹. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۳/۱۰.

۶۰. همچنین با لحاظ سایر فقرات مشابه -این احتمال نیز بعید نیست که واژه نصف اندکی جابه‌جا شده، یعنی دیه نقل عظامه عشرون دیناراً نصفه (نصف دیه کسره) یا عبارتی مشابه این بوده است.

۶۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۲/۱۰.

۶۲. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۳/۱۰.

۶۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۴/۱۰.

۶۴. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۲/۱۰.

۳. بند وسط سایر انگشتان دست: دیه شکستگی آن یازده دینار و یک سوم دینار است و دیه جابه جایی آن پنج دینار و یک سوم دینار است.^{۶۵}
۴. بند ناخن سایر انگشتان پا: دیه شکستگی آن پنج دینار و چهار پنجم دینار است و دیه جابه جایی آن دو دینار و یک پنجم دینار است.^{۶۶}
۵. بند شست متصل به کف پا: دیه شکستگی آن شصت و شش دینار و دو سوم دینار است و دیه جابه جایی آن بیست و شش دینار و دو سوم دینار است.^{۶۷}
۶. بند وسط سایر انگشتان پا: یازده دینار و یک سوم دینار و دیه جابه جایی آن پنج دینار و یک سوم دینار است.^{۶۸}

همچنان که مشاهده می شود موارد استثنا (به جز دنده های محاذی قلب) نیز اختصاص به انگشتان دست و پا دارد. در هر صورت، باتوجه به اینکه دیه جابه جایی به شکل عام و قاعده مند بیان شده و در موارد متعدد نیز در روایت براساس آن حکم شده است، به نظر می رسد موارد خلاف قاعده ضرری به کلیت قاعده وارد نمی سازد و این موارد را باید استثنایی و مقید قاعده به شمار آورد.

نتیجه سخن در دیه جابه جایی استخوان این شد که مقصود از جابه جایی استخوان، آن نوع از شکستگی استخوان است که در آن جابه جایی استخوان اتفاق بیفتد و برای ترمیم و درمان نیاز به جابه جایی و جالنداختن استخوان باشد. براساس روایات دیه جابه جایی استخوان - به جز موارد استثنا که به آن ها اشاره شد - به صورت قاعده مند نصف دیه شکستگی است که این مقدار دیه به دیه شکستگی افزوده می شود.

دلیل اینکه میزان دیه به طور دقیق ۳۰ درصد دیه کامل عضو تعیین نشده است - همچنان که در ذیل دیدگاه دوم اشاره شد - این است که دیه شکستگی عضو همیشه ۲۰ درصد دیه کامل عضو نیست. برای نمونه، دیه شکستگی سر و ستون فقرات یکصد دینار است. در سایر اعضا نیز در موارد متعدد دیه شکستگی در فرض بهبودی دیه عضو ۱۶ درصد دیه کامل عضو است و ۲۰ درصد در فرض عدم بهبودی. همچنین مطابق روایت ظریف دیه شکستگی در برخی اعضا در فرض بهبودی کامل ۲۰ درصد دیه آن عضو است.^{۶۹}

۶۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۳/۱۰.

۶۶. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۷/۱۰.

۶۷. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۶/۱۰.

۶۸. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۷/۱۰.

۶۹. ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ۸۳/۴، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۰.

۵. دیه جابه‌جایی مهره‌های ستون فقرات

بر اساس تفسیری که در جابه‌جایی استخوان بیان شد، مقصود از جابه‌جایی ستون فقرات، آن نوع شکستگی ستون فقرات است که در آن استخوان‌ها بر اثر شکستگی جابه‌جا شده‌اند، به گونه‌ای که برای ترمیم و جوش خوردن استخوان لازم باشد ابتدا استخوان‌ها در جای اول خود قرار بگیرد. براساس نصوص معتبر و فتاوی فقیهان شکستگی ستون فقرات در فرض بهبودی کامل یکصد دینار و در فرض عدم بهبودی هزار دینار است.^{۷۰} بنابراین، جابه‌جایی ستون فقرات در اینجا در دو صورت کلی متصور است:

یکم. جابه‌جایی ستون فقرات در اثر شکستگی، با فرض اینکه پس از جافتادن و درمان بهبودی کامل حاصل شود؛ در این صورت دیه جابه‌جایی پنجاه دینار است که این مقدار دیه با قطع نظر از دیه شکستگی و سایر آسیب‌های وارده مثل دیه موضعه است. بنابراین، اگر در جابه‌جایی ستون فقرات هیچ آسیب دیگری - مثل موضعه - وارد نشده باشد، مجموعاً حکم به یکصد و پنجاه دینار می‌شود که یکصد دینار آن به‌ازای اصل شکستگی و پنجاه دینار آن بابت جابه‌جایی استخوان است.

دوم. جابه‌جایی ستون فقرات در اثر شکستگی، با فرض اینکه شکستگی بهبودی پیدا نکند. در این صورت به نظر می‌رسد حکم به هزار دینار می‌شود؛ یعنی دیه بیشتری نسبت به دیه شکستگی تعلق نمی‌گیرد، زیرا مطابق ادله دیه شکستگی ستون فقرات در فرض عدم بهبودی معادل دیه کامل یک انسان است. این مقدار، حداکثر دیه‌ای است که در مقابل آسیب یک عضو تعلق می‌گیرد. ازسوی دیگر، جابه‌جایی استخوان در حقیقت همان شکستگی استخوان از نوع شدید است، به طوری که چه‌بسا عدم بهبودی شکستگی به سبب جابه‌جایی استخوان باشد؛ یعنی اگر شکستگی مهره کمر بدون جابه‌جایی استخوان اتفاق می‌افتاد یا پس از جابه‌جایی دوباره در جای خود قرار می‌گرفت، بهبودی حاصل می‌شد. بنابراین حکم به هزار دینار در ازای شکستگی شدیدی است که در نهایت به بهبودی کامل ختم نشده است. به‌طور قهری احتمال عدم بهبودی کامل در شکستگی شدیدی که در آن استخوان‌ها جابه‌جا شده و از مسیر طبیعی خود منحرف شود بسیار بیشتر از شکستگی‌ای است که در آن استخوان‌ها همچنان در امتداد هم قرار دارد و جابه‌جایی اتفاق نیفتاده است.

ازاین‌رو، جابه‌جایی ستون فقرات با جابه‌جایی استخوان سایر اعضا که دیه شکستگی آن یک‌پنجم دیه آن عضو بود و مجموع دیه شکستگی و جابه‌جایی با هم نیز از دیه کامل کمتر بود، متفاوت است، زیرا در

۷۰. کلینی، الکافی، ۳/۱۱۱، ۳۳۸، مفید، المقنعة، ۷۶۷؛ طوسی، النهاية، ۷۷۶؛ ابن‌ادریس، السرائر، ۳/۴۱۰؛ ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ۳۹۹.

آنجا در بیشتر موارد شکستگی عضو سبب ثبوت یک پنجم دیه آن عضو بود، حال اگر شکستگی شدیدتر بوده و سبب جابه جایی استخوان می شد، مجال تشدید میزان دیه وجود داشت و میزان دیه از ۲۰ درصد دیه عضو به ۳۰ درصد افزایش پیدا می کرد. اما در اینجا فرض این است که برای شکستگی ستون فقرات در فرض عدم بهبودی، حداکثر دیه یک عضو؛ یعنی دیه کامل لحاظ شده است. نتیجه اینکه، شکستگی ستون فقرات اگر به قدری شدید باشد که موجب جابه جایی استخوان شود، در صورت بهبودی کامل موجب یکصد و پنجاه دینار و اگر بهبودی حاصل نشود موجب دیه کامل است.

۶. ارزیابی و نقد قانون مجازات اسلامی

با وجود اینکه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قواعد عمومی دیه اعضا از ماده ۵۶۸ تا ۵۷۴ به دیه انواع آسیب های وارده به استخوان پرداخته است، اما هیچ اشاره ای به این نوع صدمه - که در روایات پرتکرار نیز هست - نشده است، به ویژه آنکه در ماده ۵۶۹ انواع آسیب های استخوان اعم از شکستن، خرد شدن، ترک برداشتن و نیز موضعه و نافذه بیان شده و میزان دیه هریک به صورت قاعده مند تعیین شده است. با این حال، هیچ اشاره ای به جابه جایی استخوان نشده است.

ماده ۶۵۴ درباره دیه دنده ها چنین مقرر داشته است: «... دیه ترک خوردن هریک از دنده های محیط به قلب، یک هشتادم دیه کامل و دیه در رفتگی آن، هفت و نیم هزارم دیه کامل است. دیه ترک خوردن هریک از دنده های دیگر هفت هزارم دیه کامل و دیه در رفتگی آن ها پنج هزارم دیه کامل است.»

روایات راجع به «نقل العظام» اعضای مختلف بدن گذشت و بیان شد که در روایت ظریف درباره دنده ها چنین آمده است: «و فِي الْأَضْلَاعِ فِيمَا خَالَطَ الْقُلْبَ مِنَ الْأَضْلَاعِ... دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهِ سَبْعَةُ دَنَانِيرَ وَ نِصْفٌ... وَ فِي الْأَضْلَاعِ مِمَّا يَلِي الْعِضْدَيْنِ... دِيَةُ نَقْلِ عِظَامِهِ خَمْسَةُ دَنَانِيرَ»؛^{۷۱} دیه جابه جایی هریک از دنده های محیط به قلب، هفت و نیم دینار است... و دیه جابه جایی هریک از دنده های کنار بازوها پنج دینار است. قانونگذار از عبارت «نقل عظامه» در رفتگی را برداشت کرده است، در حالی که معادل در رفتگی در متون روایی «فك العظم» است، نه «نقل العظم» و میزان دیه این دو نیز متفاوت از یکدیگر است.

مشابه این ایراد درباره ماده ۶۵۷ نیز تکرار شدنی است. در این ماده نیز دیه در رفتگی استخوان ترقوه بیست هزارم دیه کامل تعیین شده است. در حالی که مطابق روایت «و فِي التَّرْقُوتِ إِذَا انْكَسَرَتْ... فَإِنْ نُقِلَ مِنْهَا الْعِظَامُ فَدِيَتُهَا نِصْفُ دِيَةِ كَسْرِهَا عِشْرُونَ دِينَارًا»؛^{۷۲} دیه جابه جایی استخوان ترقوه نصف دیه شکستگی آن

۷۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۴/۱۰.

۷۲. طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۰۰/۱۰.

معادل بیست دینار است.

بر فرض که از نظر قانونگذار عبارت «نقل العظم» به معنای دررفتگی است، ایراد دیگری وارد می‌شود که چرا در موارد پرشمار دیگر در روایت ظریف که عبارت «نقل العظم» به کار رفته، آن را به معنای دررفتگی معنا نکرده است؟ برای نمونه، در روایات همین تعبیر «نقل عظامه» یا نزدیک به آن درباره استخوان شانه، بازو، آرنج، نشیمن‌گاه، ران، زانو، ساق، کف پا، ساعد، کف دست و... آمده است، درحالی‌که در مواد قانونی تنها دیه دررفتگی دنده‌ها و ترقوه بیان شده است.

همچنین اگر از نظر قانونگذار «نقل العظم» به معنای دررفتگی مفصل استخوان است، چرا در ماده ۵۷۱ آنچه فقیهان امامی درباره دیه «فک العظم» به صورت قاعده‌مند ذکر کرده‌اند^{۷۳} را در اینجا به دررفتگی ترجمه کرده و ذیل دیه دررفتگی آورده است؟ حال آنکه، از متون روایی و فقهی به وضوح پیداست که «فک العظم» غیر از «نقل العظم» است و دیه هریک نیز متفاوت از دیه دیگری است.

گزیده سخن اینکه، مواد قانون مجازات اسلامی در تفسیر متون روایی و فقهی درباره دیه دررفتگی و جابه‌جایی استخوان آشفتگی دارد. از سویی راجع به دیه جابه‌جایی استخوان خلأ قانونی دیده می‌شود و باوجود فقرات روایی پرشمار درباره این صدمه، قاعده یا ماده‌ای در قانون مجازات اسلامی تأسیس نشده است. از سوی دیگر، در برخی موارد میان دیه دررفتگی و جابه‌جایی استخوان، اشتباه و خلط مشاهده می‌شود.

پیشنهاد می‌شود در بخش «قواعد عمومی دیه اعضا»، دیه جابه‌جایی استخوان‌ها نیز در ماده‌ای مجزا به صورت ضابطه‌مند بیان شود و در تبصره به موارد استثنا اشاره شود.

باتوجه به اینکه دیه صدمات ستون فقرات متفاوت از سایر استخوان‌هاست و احکام آن به‌طور جداگانه در بند ۶۴۷ آمده است نیز پیشنهاد می‌شود بند دیگری نیز در این ماده راجع به دیه جابه‌جایی استخوان ستون فقرات درج شود.

نتیجه‌گیری

مقصود از «نقل العظم» در ادبیات روایی، جابه‌جایی استخوان بر اثر شکستگی است، به گونه‌ای که ترمیم و التیام صحیح استخوان نیازمند جابه‌جایی و قراردادن دو سر استخوان‌ها در جای نخست است. این عنوان نباید با عنوان «فک العظم» که به معنای دررفتگی مفصل استخوان است، درهم آمیخته و خلط شود.

۷۳. مفید، المقنعة، ۷۶۷؛ ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ۳۹۹؛ سلاوی دیلمی، المراسم العلویة، ۲۴۸؛ طوسی، النهایة، ۷۷۷؛ ابن‌ادریس، السرائر، ۴۱۱/۳؛ آبی، کشف الرموز، ۶۶۲/۲؛ محقق حلبی، شرائع الإسلام، ۲۵۴/۴.

میزان دیه جابه جایی استخوان - جز در موارد استثنا - به صورت قاعده مند نصف دیه شکستگی آن عضو است. این مقدار به دیه شکستگی استخوان افزوده می شود.

اقوال مطرح شده از سوی فقیهان درباره دیه جابه جایی استخوان هر چند در شیوه محاسبه متفاوت هستند، اما در نتیجه و میزان دیه تفاوتی وجود ندارد.

شکستگی ستون فقرات اگر به قدری شدید باشد که سبب جابه جایی استخوان شود، در صورت بهبودی کامل موجب یکصد و پنجاه دینار و اگر بهبودی حاصل نشود موجب دیه کامل است.

مواد قانون مجازات اسلامی در تفسیر متون روایی و فقهی راجع به دیه در رفتگی و جابه جایی استخوان دچار آشفتگی است. برای اصلاح و ارتقای قانون پیشنهاد می شود در بخش «قواعد عمومی دیه اعضا» دیه جابه جایی استخوان ها نیز در ماده ای مجزا به صورت ضابطه مند بیان شود و در تبصره به موارد استثنا اشاره شود.

دیه صدمات ستون فقرات متفاوت از سایر استخوان هاست و احکام آن به طور جداگانه در بند ۶۴۷ آمده است، لذا پیشنهاد می شود بند دیگری نیز در این ماده راجع به دیه جابه جایی استخوان ستون فقرات درج شود. برای نمونه، «چنانچه شکستگی ستون فقرات سبب جابه جایی استخوان شود، به گونه ای که درمان شکستگی متوقف بر قراردادن آن در جای نخست باشد، موجب پانزده درصد دیه کامل خواهد بود.»

منابع

قرآن کریم

- آبی، حسن بن ابی طالب. کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. النهاية فی غریب الحديث و الاثر. قم: اسماعیلیان. چاپ اول، بی تا.
- ابن ادریس، محمد بن احمد. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی. کتاب من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن درید، محمد بن حسن. جمهرة اللغة. بیروت: دار العلم. چاپ اول، ۱۹۸۸م.
- ابن سعید، یحیی بن احمد. الجامع للشرائع. قم: سیدالشهداء. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. المغنی. ریاض: دار عالم الکتاب. چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع). چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- احمدی، کوروش، محسن ابراهیمی، علی طاهری نیا. مبانی آسیب های استخوان و مفاصل در بخش اورژانس. تهران: اندیشه رفیع. چاپ اول، ۱۳۹۲.

- ازهری، محمدبن احمد. تهذيب اللغة. قم: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- اعلمی هرندي، بهادر، سعیدرضا مهرپور، محمد آيتی، سيدامير محليشا كاظمی. ارتوپدی و شكستگی ها. تهران: اندیشه رفیع. چاپ چهارم، ۱۴۰۱.
- المن، الكساندر و دیگران. پرسش و پاسخ پزشکی. ترجمه م كاشيگر. تهران: جانزاده. چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- تبریزی، جواد. تنقيح مباني الاحكام؛ كتاب الديات. قم: دار الصديقة الشهيدة. چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- تهانوی، محمدبن علی بن علی. كشف اصطلاحات الفنون. به تحقیق علی دحروج. بيروت: لبنان ناشرون. چاپ اول، ۱۹۹۶م.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح: تاج اللغة و الصحاح العربية. بيروت: دار العلم. چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
- حكيم، سيد محمد سعيد. منهاج الصالحين. بيروت: دار الصفوة. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- خویی، ابوالقاسم. مباني تكملة المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی. بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. بيروت: دار العلم. چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- روحانی، سيد صادق. فقه الصادق عليه السلام. قم: دار الكتاب. چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- سبزواری، سيد عبدالاعلی. مهذب الاحكام. قم: المنار. چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
- سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز. المراسم العلوية فی الاحكام النبوية. قم: منشورات الحرمين. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بيروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۴ق.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. المحيط فی اللغة. بيروت: عالم الكتاب. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرين. تهران: کتابفروشی مرتضوی. چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن. النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. بيروت: دار الكتاب العربی. چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن. تهذيب الاحكام. تهران: دار الكتب الاسلامية. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تبصرة المتعلمين فی احكام الدين. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي. چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. كشف اللثام عن قواعد الاحكام. قم: مؤسسه نشر اسلامي. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- فراهدی، خليل بن احمد، كتاب العين. قم: هجرت. چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. مفاتيح الشرائع. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. چاپ اول، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الكتب الاسلامية. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

Abū al-Ṣalāḥ Ḥalabī. Taqī ibn Najm. *al-Kāfi fī al-Fiqh*. Isfahān: Kitābkhānah-yi Amīr al-Mu'minin(AS). Chāp-i Awwal, 1983/1403.

Aḥmadī, Kūrūsh, Muḥsin Ibrāhīmī, 'Alī Ṭāhirīniyā. *Mabānī Āsīb-hā-yi Ustukhān va Mafāṣil dar Bakhsh Urzhāns*. Tehran: Andīshih-yi Rafī', Chāp-i Awwal, 2013/1392.

A'lamī Harandī, Bahādur, Sa'īd Rizā Mihrpūr, Muḥammad Āyatī, Sayyid Amīr Maḥlishā Kāzīmī. *Orthopedic va Shakastigī-hā*. Tehran: Andīshih-yi Rafī', Chāp-i Chāhārum, 2023/1401

'Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Tabṣira al-Muta'allimīn fī Ahkām al-Dīn*. Tehran: Mū'assisah-yi Chāp va Nashr Vizārat-i Farhang va Irshād Islāmī. Chāp-i Duvvum, 1991/1411.

Azhārī, Muḥammad Ibn Aḥmad. *Tahdhib al-Lughā*. Qum: Dār Ihya' al-Tūrāth al-'Arabī. Chāp-i Awwal, 2000/1421.

Bāy, Ḥusayn 'Alī. "Ta'mulī dar Diyih Shakastigī Ustukhān-hā". *Huqūq Islāmī*, Durīh-yi 12, no. 44 (Bahār 2016/1394): 31-65.

Fāḍil Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Kashf al-Lithām 'an Qawā'id al-Ahkām*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1995/1416.

Fāḍil Miqdād, Miqdād ibn 'Abd Allāh. *al-Tanqīḥ al-Rā'i li-Mukhtaṣar al-Sharā'i*. Qum: Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar'ashī Najafī. Chāp-i Awwal, 1984/1404.

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *Kitāb al-'Ayn*. Qum: Hijrat. Chāp-i Duwūm, 1990/1410.

Fiyḍ Kāshānī, Muḥammad ibn Shāh Murtaẓā. *Mafātiḥ Sharā'i*. Qum: Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar'ashī Najafī. Chāp-i Awwal, s.d.

Ḥakīm, Sayyid Muḥammad Sa'īd. *Minhāj al-Ṣāliḥīn*. Beirut: Dār al-Ṣafwa, Chāp-i Awwal, 1990/1410.

Ibn Qudāmāh, 'Abd Allāh ibn Aḥmad. *al-Mughnī*. Riyāḍ: Dār 'Ālim al-Kitāb, Chāp-i Sivum, 1997/1417.

Ibn Athīr, Mubārak ibn Muḥammad. *al-Nihāya fī Gharīb al-Hadīth wa al-Athar*. Qum: Ismā'īliyan, Chāp-i Awwal, s.d.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *Kitāb Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Duvvum. 1993/1413.

Ibn Durayḍ, Muḥammad ibn Ḥasan. *Jamhara al-Lughā*. Beirut: Dār al-'Ilm. Chāp-i Awwal, 1988/1408.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā*. Qum: Mū'assisah-yi Nashr Islām, Chāp-i Awwal, 1984/1404.

Ibn Idrīs. Muḥammad ibn Aḥmad. *al-Sarā'ir al-Ḥawī li-Tahrīr al-Fatāwī*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, Chāp-i Duvvum. 1990/1410.

Ibn Sa'īd, Yaḥyā ibn Aḥmad. *al-Jāmi' li-l-Sharāy'*. Qum: Sayyid al-Shuhadā. Chāp-i Awwal, 1985/1405.

Ilman, Alexander et al. *Pursish va Pāsukh Pizishki*. Translated by M. Kāshīgar, Tehran: Jānzādih, Chāp-i Duwwum, 1989/1367.

Jawharī, Ismā'īl ibn Ḥammād. *al-Ṣiḥāḥ: Taj al-Lughā wa Ṣiḥāḥ 'Arabiya*. Beirut: Dār al-'Ilm, Chāp-i Sivum, 1989/1410.

Khū'i, Abū al-Qāsim. *Mabānī Takmilat al-Minhāj*. Qum: Mū'assisa Āsār-i Imām Khū'i, s.d.

Kulīnī, Muḥammad ibn Ya'qūb. *al-Kāfi*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. Chāp-i Chāhārum. 1987/1407.

Lajnat al-Fiqh al-Mu'āshir. *al-Fā'iḳ fi Uṣūl*. Qum: Markaz-i Mudīriyat-i Ḥawzah-hā-yi 'Ilmiyya. Chāp-i Panjum, 2020/1441.

Madanī Kāshānī, Rizā. *Kitāb-i al-Diyāt*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī, Chāp-i Awwal, 1988/1408.

Majlisi, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Maṣā'at al-Uṣūl fi Sharḥ Akhbār Al al-Rasūl*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. Chāp-i Duwwum, 1984/1404.

Majlisi, Muḥammad Taqī ibn Maqṣūd 'Alī. *Rawḍa al-Muttaqīn fi Sharḥ Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. Qum: Mū'assisah Farhangī Kūshānbūr, Chāp-i Duwwum, 1995/1416.

Manṣūrī, Mihrād. "Ānātūmī Jāmi' Sutūn Muhriḥ", Irān Orthopedic.

Mufid, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Muqnī'a*. Qum: Kungirah-yi Jahānī Hizārīh Shaykh Mufid. Chāp-i Awwal, 1993/1413.

Muḥaqqiq Ḥillī. Ja'far ibn Ḥasan. *Nukat al-Nihāya*. Qum: Mū'assisah Nashr Islāmī, Chāp-i Awwal, 1992/1412.

Muḥaqqiq Ḥillī. Ja'far ibn Ḥasan. *Sharā'i' al-Islām fi Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Ismā'iliyān, Chāp-i Duvvum, 1988/1408.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *Mufradāt al-Alfāz al-Qurān*. Beirut: Dār al-'Ilm, Chāp-i Awwal, 1992/1412.

Rūḥānī, Sayyid Ṣādiq. *Fiqh al-Ṣādiq(AS)*. Qum: Dār al-Kitāb, Chāp-i Awwal, 1992/1412.

Sabzawārī, Sayyid 'Abd al-A'lā. *al-Muḥadhdhab al-Aḥkām*. Qum: al-Minār, Chāp-i Chāhārum, 1993/1413.

Ṣādiqpūr, Muḥammad Ja'far. "Qā'idih-yi Diyih Shakastigī; Bāztāb Faṣīlih-i Miyān Mashhūr va Ma'thūr".

Pazhūhish-hā-yi Fiqhī, Durīh-yi 18, no. 3 (autumn 2023/1401): 733-752.

Şāhib ibn 'Abād, Ismā'īl ibn 'Abād. *al-Muḥīṭ fī al-Lughā*. Beirut: 'Ālim al-Kutub Chāp-i Awwal. 1993/1414.

Şāhib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Tūrāth al-'Arabī. 1984/1404.

Sālār, Ḥamza ibn 'Abd 'Azīz. *Al-Marāsīm al-'Alawīya fī al-Nabawīya*. Qum: Manshūrāt al-Ḥaramīn. Chāp-i Awwal, 1984/1404.

Shākīr, Muḥammad Ḥusayn, Ḥamīd Şidīqākhā. "Ta'mulī dar Diyih Şadamāt Vāridih bar Sutūn Faqarāt".

Pazhūhish Ḥuqūq-i Kayfārī, yr. 5, no. 23 (summer 2019/1397): 249-280.

Shākīr, Muḥammad Ḥusayn, Ḥusayn 'Alī Bāy. "Muṭālī'ih-yi Taṭbīqī Qā'idih-yi Darraftigī dar Fiqh va Ḥuqūq Mawḍū'ah". *Fiqh Pizishkī*, Durīh-yi 8, no. 28-29 (autumn and winter 2017/1395): 7-39.

Tabrīzī, Javād. *Tanqīḥ Madanī al-Aḥkām: Kitāb-i al-Diyāt*. Qum: Dār al-Şidīqa al-Shahīda. Chāp-i Awwal, 2007/1428.

Tahānawī, Muḥammad 'Alī ibn 'Alī. *Kashāf Iṣṭilāḥāt al-Funūn*. researched by 'Alī Daḥrūj. Beirut: Lubnān Nāshirūn, Chāp-i Awwal, 1996/1416.

Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad. *Majma' al-Baḥrayn*. Tehran: Kitābfurūshī Murtaẓavī. Chāp-i Sivum, 1995/1416.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Nihāya fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwā*. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī. Chāp-i Duwūm, 1980/1400.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tahdhīb al-Aḥkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīya. Chāp-i Chāhārum, 1987/1407.

Waḥīd Khurāsānī, Ḥusayn. *Minḥāj al-Şāliḥīn*. Qum: Madrisah-yi Imām Bāqir (AS). Chāp-i Panjum, 2007/1428.